

ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

تامین مالی خرد دیر به ایران رسید و هنوز هم نرسیده دارد زیر بار پوپولیسیم، ملاحظات سیاسی و ناشی‌گری‌های حرفه‌ای نفس‌نفس‌میزند. تامین مالی خرد یا میکروفینانس آمیزه‌ای است از پس‌اندازهای خرد؛ اعتبارات خرد و بیمه‌های خرد. این رشته از تامین مالی یا "فینانس" خرد خوانده می‌شود نه بخاطر آنکه ابعاد آن خرد هستند، بلکه دارای شرایط و ویژگی‌هایی‌هایی است که آنرا قابل دسترسی گروه هدفی می‌سازد که در برگیرنده خیل مردم کمتر برخوردار و اغلب فقیر و آسیب‌پذیر و چه بسا آسیب‌دیده می‌باشد. روستاییان و زنان از مهمترین این گروه هستند و تحولات نه‌چندان میمون اجتماعی نیز همچنان جمع‌روز افزونی از حاشیه‌نشینان شهری و زنان سرپرست خانوار را بدین گروه می‌افزاید. برای این جمع نخستین و مهمترین بخش تامین مالی خرد، پس‌انداز است و در باور و آموزش‌های تاک‌دومین و سومین آن هم باز همین پس‌انداز است. پس‌انداز است که تاب‌آوری معیشت‌های خرد خانوارهای بینوا و کمتر برخوردار را در برابر پیشامدهای ناگوار افزایش می‌دهد. همچنان پس‌انداز است که اغلب به شکل‌گیری هسته اولیه بنگاه‌های خرد و کوچک کمک می‌کند. ولی این بخش‌حیاتی در برنامه‌هایی که اکنون در ایران به عنوان تامین مالی خرد خوانده می‌شوند عملاً مغفول مانده است. اگر هم باشد فقط نامی است بدون آنکه ابزار و محصولی درخور، بدان تحقق بخشیده باشد. پس‌انداز، که روزگاری نیمه‌پنهان تامین مالی خرد خوانده می‌شد و امروزه بنیان این صنعت دانسته می‌شود، در تمام طرح‌ها و تمهیدات تامین مالی خرد در ایران کاملاً مغفود می‌باشد. اما تامین مالی خرد پایدار، باید حاصل و نتیجه واسطه‌گری مالی یعنی گردآوری پس‌اندازها و تبدیل آنها به مجموعه‌ای از وام‌ها باشد. اما در ایران تامین مالی خرد چیزی نیست جز همان اعتبارات خرد سنتی که حاصل توزیع منابعی است که از بخش دولتی و یا واحد‌های مختلف سازمان ملل متحد بخصوص یو.ان.دی.پی. در ابعاد کوچک و با شرایط غیر قابل توجیه بین یک گروه هدف که یا برحسب ژانر (جنسیت) و یا محل جغرافیایی و یا محدوده یک پروژه تعریف شده است. به جرأت می‌توان گفت که برنامه بانکداری پیوندی - که این تارنامه وقف آن شده است - تنها برنامه‌ای است در ایران که واسطه‌گری مالی همراه با پیوندی ضابطه‌مند با بازار سرمایه منشاء اعتبارات خرد آنست.

ولی ما بر آن شده ایم که آن را راهوار و تازه نفس کنیم تا با آن بتوان بارهایی گران را به سر منزل توسعه اقتصادی و اجتماعی رساند. این تارنامه قرار است کمکی باشد در برداشتن همان بار و شناساندن بیشتر و بهتر "تامین مالی خرد" با وجوه مختلف آن به عموم ولی به ویژه به سیاستگذاران، برنامه‌ریزان توسعه، بانکداران و دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های اقتصاد و توسعه روستائی. پس این تارنامه که مستقیماً از تجارب میدانی و عملی در ایران و نیز در خارج از ایران نشأت می‌گیرد، سعی بر آن دارد که استفاده صحیح و بهنگام از یک رویکرد کلیدی برای بهبود معیشت مردم کم‌درآمد و آسیب‌پذیر و یا به عبارتی دیگر در راه رونق بیشتر اقتصاد مردمی را ترویج دهد. این اقتصاد مردمی همان است که مسیر اصلی آن بخش غیررسمی را می‌سازد، معیشت مردم کم‌درآمد در آن است و تولید بنگاه خرد با عرق جبین و کد یمین‌اشان.

بخش غیررسمی اغلب جدی گرفته نمیشود و گاه نه چندان مفید تلقی میگردد. ولی واقعیتی است که صاحبان نظام تدبیر در کشورهای در حال توسعه باید آن را بپذیرند و در برنامه ریزی های خود فراموش نکنند که بهر حال این بخش آمده است تا که بماند. نقش آن هم در تولید ناخالص ملی و اشتغال در کشور های در حال توسعه بسیار مهم است. همچنانکه در ایران رو به افزایش بوده است و طی دو دهه گذشته سهم آن از تولید ناخالص ملی از دو درصد به بالاتر از بیست درصد رسیده است و بدین ترتیب منبع مهمی برای اشتغال بویژه اشتغال زنان، آن هم در روستاها، شده است. دولت با شناخت این واقعیت، باید برای بهبود بهره وری در این بخش، برنامه و ابتکار داشته باشد. گسترش تامین مالی خرد با اجزاء سه گانه اش یعنی اعتبارات خرد، پس انداز و بیمه های خرد و روش های بهینه اش یکی از چنین برنامه هاست. این را هم اضافه کنیم که این رویکرد بکار تقویت و پشتیبانی از جایگاه کشاورزان خرده پا و بهره برداریهای خانوادگی نیز میاید - همانهایی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پاس از نقش غیر قابل تردیدشان در تغذیه میلیاردها نفر جمعیت کره زمین و هم چنین به شکرانه پاسداری از میراث هزارها بذر به زمین سپردن و صبورانه به پایش نشستن تا رزق میلیاردها بشر دیگر فراهم گردد، سال ۲۰۱۴ را بنام آنان نامیده بود. باشد که همچنان حرکت از آنان باشد تا برکت از زمین رخت بر نبندد. بدین ترتیب است که این تارنامه نخستین منبعی میشود که رابطه تنگاتنگ بین تامین مالی خرد و حفاظت از محیط زیست را مورد تاکید قرار میدهد.

این تارنامه بر آنست که شناخت صحیحتری از تامین مالی خرد و پتانسیل های آن ارائه دهد تا آنرا تنها به شکل اعتبارات خرد سنتی و ارزان قیمت و ناپایدار و مقطعی که دولت ها پخش میکنند، و اغلب نیز بدست آنها که گروه هدف هستند نیز نرسد، ببینیم. عنصر پایداری مهم ترین وجه ممیزه تامین مالی خرد با اعتبارات دولتی است. در فعالیتهای دولتی که امثال آن فراوانند، برای یک بار اعتباراتی ارزان برای رفع یکی از نیازهای مالی فرد به متقاضی داده می شود. اما در تامین مالی خرد ما بدنبال آن هستیم که تمامی خدمات مالی و نه فقط اعتبار را به آنها ارائه نمائیم چرا که خدمات مالی مورد نیاز فقرا تنها اعتبار نیست. علاوه بر این می خواهیم چنین دسترسی به خدمات مالی به صورتی پایدار و قابل پیش بینی برای فرد متقاضی ایجاد شود. بر اساس این ملاک، یعنی پایداری بسیاری از برنامه های دولت که ظاهراً در قالب مالیه خرد عرضه میشوند را نمی توان در قالب این پارادایم قرار داد.

بسیار بجاست که در اینجا نقلی از مطالعه اثربابی طرح بانکداری پیوندی در ایران را بیافزاییم و متعهد شویم که این تارنامه در چنین راهی گام برخواهد داشت:

"نگرش دولت در فقرزدائی در کشور مبتنی بر رویکردی است حمایتی، در حالی که تامین مالی خرد بدنبال توانمندسازی فقرا است. دولت بر اعتبار تاکید دارد و تامین مالی خرد بر پس انداز؛ دولت بدنبال اعتبارات ارزان از محل منابع دولتی است اما تامین مالی خرد بدنبال اعتبارات از محل انباشت پس اندازها است و نرخ آن هم بر اساس هزینه های مؤسسه تامین مالی خرد تعیین می شود؛ دولت بدنبال ساز و کارهای متعارف بانکداری است،

در حالی که تامین مالی خرد از ساز و کارهای ابتکاری استفاده می‌نماید؛ دولت بدنبال دخالت در مدیریت و تخصیص منابع است ولی مالیه خرد بدنبال مدیریت مبتنی بر اصول حرفه ای این صنعت است؛ دولت از شیوه های نامناسب مانند نرخ بهره پائین برای هدف گذاری استفاده می نماید که اغلب بی اثر باقی میماند؛ اما در تامین مالی خرد از ساز و کارهای ابتکاری برای اصابت به گروه هدف استفاده می شود. بنابراین تلاش های دولت برای ارائه اعتبار به فقرا با ویژگی هائی آنچنان با اصولی که برای موفقیت تامین مالی خرد تأکید می شود، چندان سازگاری ندارد و حتی می توان بر جهت گیری های بلند مدت مؤسسات تامین مالی خرد اثرگذار باشد."